

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: دکتر صولت نگی\*  
برگردان: آمادور نویدی  
۱۶ مارچ ۲۰۲۴



دکتر صولت نگی

## فلسطین و غرب وحشی وحشی

### فلسطین و استرپیتیز تمدن غرب

شرم یک احساس انقلابیست. (مارکس)

(قسمت اول)

عدم احساس شرم در تمدن غرب، یکبار دیگر سرشت ضدانقلابی و اورولینی (Orwellian) (۱) خود را در مواجهه با کودکان کشته و پراکنده شده در غزه نشان داد. اما دولت افریقای جنوبی با تلاش دلیرانه‌ای، فمپز بشردوستانه غرب را در دادگاه بین‌المللی لاهه برملا ساخت. و این‌که نباید مقاومت حوثی‌ها و کشور نابود شده و جنگزده یمن را فراموش کنیم.

هر دو، خلق‌های فلسطین و انصارالاسلام (حوثی‌ها) چیزی برای ازدست دادن ندارند به جز زنجیرهای ارساتشان. اما از آنجایی‌که خشم ناشی از اعتیاد به قدرت و سلطه می‌تواند انواع تحریم‌ها را بر هر ملت-کشوری تحمیل کند، و یا از طریق سیا-بازوی نهان و بدنام خود- کودتائی را مدیریت نماید، چرا مردم و دولت افریقای جنوبی خواسته‌اند وارد دوزخ امپریالیستی شوند که می‌تواند پیکر سیاست کشورشان را بسوزاند؟

عجبا و خلاف کل امت اسلامی- که مقهور منافع خود شده‌اند و انتخاب کرده‌اند که نسبت به قتل عام فلسطینی‌ها بی‌تفاوت باشند- افریقای جنوبی کشوری مسلمان نیست و هیچ وظیفه دینی و اخلاقی نداشت اسرائیل را به خاطر نسل‌کشی به میز محاکمه بکشاند. این کشور حتی کوبا- کشوری سوسیالیستی نیست که به خاطر باور استوار مارکسیستی خود جهت آزادی همه خلق‌های ستم‌دیده به جنگ علیه نیروهای مسلح آپارتاید سفیدپوست افریقای جنوبی کشیده شود که منجر به

شکست همه‌جانبه و پایان رژیم آپارتاید تحت حمایت امریکا شد و آزادی افریقای جنوبی، آنگولا و نامیبیا را به ارمغان آورد.

نلسون ماندلا اظهار داشت: «تا زمانی‌که فلسطین آزاد نشود، استقلال ما کامل نخواهد». زیرا این فلسطین، لیبیای تحت حاکمیت قذافی، و کوبای کمونیست بودند که برای آزادی افریقای جنوبی از دست مزدوران سفیدپوست تحت حمایت کامل غرب متمدن، که دچار طاعون نژادپرستی و کاپیتالیسم بودند، حمایت، و تأمین مالی نمودند و جنگیدند.

افریقای جنوبی و اتحاد شوروی، تنها دو کشوری در جهان بودند که علاوه بر منابع غنی مواد معدنی بسیار، بیش‌ترین ذخایر طلا را داشتند. یکی از دلایلی که دولت نیکسون را مجبور به شکستن برابری دالر امریکا با طلا ساخت.

این تنها افریقای جنوبی نبود که از نسل‌کشی رنج می‌برد. نسل‌کشی هم‌واره سیاست توسعه‌طلبی غرب بوده است. امریکا بدون هیچ احساس شرمی و با گستاخی جمعیت بومی (سرخپوست‌ها) را نابود کرد. سفیدپوست‌های مستعمره نشین کانادا و استرالیا، بومیان (اب‌اوریجینال‌ها) را با شادی به عنوان حیوان شکار می‌کردند و اگر بولیوی را کنار بگذاریم، اغلب کشورهای امریکای لاتین از جمعیت بومی خود (سرخپوست‌ها) خالی شده‌اند، و اگر هم اصلاً زنده مانده باشند، بندرت دیده می‌شوند.

در سال ۱۹۴۳، حتی بنگال هند هم از نسل‌کشی معاف نشد، جایی‌که زیر نگاه تبعیض نژادی چرچیل، قحطی بشرساخته، نزدیک به ۳ تا ۶ میلیون جان شهروند هندی را گرفت. تعجبی ندارد که چرا بورژوازی هند بدون تردید با ساخت مجسمه‌های سوارکار (۲)، یادبودی از اراذل آدم‌کش امپراتوری را بنا می‌کند، زیرا که دولت امپریالیستی پوزش سوارکار را پذیرفت.

برگردیم به گنش شجاعانه افریقای جنوبی جهت کشاندن رژیم نسل‌کش اسرائیل به دادگاه بین‌المللی در لاهه (ICG)، اقدامی بی‌سابقه از همبستگی با مردم فلسطین، که (در سرما) برای مقابله با نسل‌کشی اسرائیل - غرب - امریکا، تنها مانده است. و برای چه؟! فقط به‌خاطر مطالبه حق یک دولت به رسمیت شناخته شده توسط سازمان ملل، جهت یک زندگی با شأن و کرامت انسانی در یک جامعه آزاد و عادلانه که توسط نمایندگان منتخب خود کنترل و اداره شود.

تلاش قهرمانانه افریقای جنوبی بر مبنای یک روحیه از خود گذشتگی بی‌باکانه است. هیچ بده و بستانی در کار نیست، زیرا خلق فلسطین که قربانی نسل‌کشی‌ست، در ازای فداکاری برادران افریقای جنوبی خود، توان ارائه هیچ‌چیزی را ندارند.

برگه اتهام ۸۴ صفحه‌ای که توسط افریقای جنوبی به دادگاه بین‌المللی لاهه تقدیم شد، سندی بی‌عیب و نقص و مختصر بود، که توسط نورمن فینکلشتاین (Norman Finkelstein) شرح داده شد. این وکیل جوان ایرلندی که به‌زبان فرانسوی صحبت می‌کرد، در میان وکلاء، تأثیرگذارترین بود.

طرف افریقای جنوبی در مقابل وسوسه نمایش ویدئو کلیپ‌های شنیع کشتار انسان‌ها توسط ارتش اسرائیل (IDF) مقاومت کرد و تنها ویدئو کلیپی که افریقای جنوبی به دادگاه بین‌المللی لاهه ارائه داد، در ارتباط با سربازان ارتش اسرائیل بود که در اطراف اجساد قربانیان غیرنظامی و بی‌گناه فلسطینی، کشته شده توسط «متمدن‌ترین ارتش» جهان، رقص و پای‌کوبی می‌کردند. سربازان ارتش اسرائیل آوازهای شنیعی از نابودی کل جمعیت عمالیک (۳)، کودکان، احشام و اغنام آن‌ها می‌خواندند. اما این‌بار، عمالیک، نه یهودی‌ها، بل که فلسطینی‌ها بودند.

تئودور آدورنو (۴) می‌گوید: «انسان زمانی مرده است که در برابر مرگ هم‌نوعانش بی‌تفاوت باشد.» و «بتواند از نظر اداری به افراد بی‌شماری ضربه بزند.»

این ویدئویی که به وسیلهٔ وکیل افریقای جنوبی نشان داده شد، یادآور خاطرات دوران نازی، تحت رژیم هیتلریست، که در آن زمان، همهٔ جمعیت المان رفتار مشابهی داشتند و اثبات نمود که هیتلر تنها نبود، بل که کل جمعیت المان از پارانوئای ضدیهودی، ضدکمونیسیت، و ضدکولی(ضدروما) رنج می‌برد.

اما به هر حال، بین این دو جامعه تفاوتی وجود دارد. آدورنو می‌گوید المانی‌ها فکر می‌کردند که: «پیشوا دربارهٔ چیزها (جنایت‌ها) مطلع نیست، حتی وقتی که به اردوگاه‌های بی‌گاری مربوط می‌شد.» اما نتانیاهو در اسرائیل، در حالی که همه چیز را می‌داند، سینه سپر کرده است و با صدای بلند فریاد می‌زند که فلسطینی‌ها را نابود کنید.

نظر به این که دادگاه بین‌المللی لاهه تصدیق نمود که احتمال نسل‌کشی توسط اسرائیل وجود دارد، از اسرائیل خواست که امکانات (مواد) غذایی و بهداشتی را از سرگیرد و از خون‌ریزی بدون کاربرد واژهٔ آتش‌بش خودداری کرد. دیوان بین‌المللی لاهه از حاکمیت قانون حمایت می‌کند، اما نه نظم مبنی بر دستور، و از آن‌ها می‌خواهد که به وسیلهٔ آمریکا و پادوهایش ابداع شده است، که به معنای اطاعت بی‌چون و چرا از امریکاست و اسرائیل با تمسخر تصمیم دیوان بین‌المللی لاهه، بی‌شرمانه، و بدون اجازه دست‌رسی به غذا و امکانات بهداشتی به غزه می‌دهد، به برتری قتل‌عام خود ادامه می‌دهد.

به نظر می‌رسد که پیروزی مطلق دولت افریقای جنوبی در دادگاه بین‌المللی تا این‌جا یک پیروزی پیرهییک (۵) باشد. اما با این حال، در بلندمدت، احتمالاً چندین کشور، عکس‌العمل نشان می‌دهند و ممکن است که عواقب مؤثری برای نهاد صهیونیستی داشته باشد.

اسرائیل، آمریکا و سگ‌های دست‌آموز (پُودول) استعماری شهرک‌نشن آن به اتهام‌های پوچ و بی‌هوده از ارائهٔ کمک به آنروا (UNWR) خودداری کرده اند. آنروا مسئول تأمین مواد غذایی، بهداشت و آموزش فلسطینی‌ها، و فقط جهت کمک به آن‌ها بوده، که در سال ۱۹۵۰ تشکیل شد، اما آنروا همیشه خاری در چشم اسرائیل بوده است.

در حالی که دادگاه بین‌المللی لاهه تصمیمش را گرفت، رژیم اسرائیل فرصت را غنیمت شمرد تا آنروا را جهت ادعائی ثابت‌نشده- برای همکاری ۴ عضو آن با حماس مقصر جلوه دهد- اتهامی که صهیونیست‌ها در مدت ۴ ماه از این کشتار نتوانسته اند اثبات کنند، اما ناگهان آنرا کشف کرده اند.

قضاوت دادگاه لاهه، در شورای امنیت، این باش‌گاه نخبگان که هیچ ربطی به امنیت بشر ندارد، مورد بحث قرار می‌گیرد. همه از نتیجهٔ این درام تراژیک شکسپیری (۶) مطلع‌اند، جایی که امپراتور بی‌شرمانه، لخت و عریان با قدرت وتوی خود می‌ایستد و رأی منفی می‌دهد.

اما در مجمع عمومی، موضوع طور دیگری خواهد بود. اکثریت بزرگی که به نفع فلسطین رأی می‌دهند، می‌توانند تصمیم بگیرند که کشور فلسطین را قانوناً به رسمیت بشناسند. این کشورها می‌توانند به صورت انفرادی یا جمعی تحریم‌هایی را بر اسرائیل تحمیل کنند. آن‌ها می‌توانند خرید و فروش را از اسرائیل متوقف کنند.

تصمیم دادگاه لاهه علیه اسرائیل که مرتکب عملی قابل‌قبول از نسل‌کشی شده است برای همه کشورها و مردم الزامی است. این امر هم‌زمان، آزمونی برای کشورها (ملل)، خود سازمان ملل متحد، و قوانین بین‌المللی است.

اما مانعی وجود دارد، و آن این‌که نمی‌توان از عربستان سعودی، امارات متحدهٔ عربی، مراکش، مصر، و سایر کشورهای مسلمان تولیدکنندهٔ نفت هیچ توقعی انتظار داشت.

جالب می‌شود که پاسخ چین و روسیه را دید که ادعا می‌شود هرکدام به نوعی مرتکب نقض حقوق بشر در شین‌ژیانگ و اوکراین می‌شود. اگرچه هر دو با آنچه که در فلسطین رخ می‌دهد، کوچک‌ترین شباهتی ندارد.

مبارزهٔ جنوب جهانی علیه شمال جهانی واقعی‌ست، اما جنوب جهانی، متحد و هم‌گن نیست. کشورهای زیادی وجود دارند که آپشن‌هایشان را سبک و سنگین می‌کنند و حاضرند در هر دو طرف بازی کنند. یکی از آن‌ها هند است که نه

فقط روابط عمیق نظامی با اسرائیل دارد، بلکه در نفرت از مسلمانان با دولت آپارتاید شریک است. دولت «درخشان» نیروی کار ارزانش را جهت جای‌گزینی فلسطینی‌ها صادر می‌کند.

### (قسمت دوم)

اسرائیل در جبهه جنگ به جز نسل‌کشی، به هیچ موفقیتی دست نیافته است، و همان‌گونه که زمان می‌گذرد، ادامه بلندمدت جنگ منجر به فلج‌شدن اقتصادی‌اش گشته، و هم‌زمان جامعه بی‌وجدان و ترس‌پز از هم‌پاشیده می‌شود. برای مردم اسرائیل عادی نیست که در ترس و کمبود (مواد غذایی و...) ناامنی زندگی کنند. زیرا تحت تهدید حزب الله، مدت‌هاست که شمالش تخلیه شده است. منطقه جنوبی آن هم مستعد حمله است و بنابراین خالی از سکنه شده است. برای نخستین بار، مرزهای اسرائیل - که هرگز وجود نداشته است - کوچک شده اند. چریک‌های حماس و بریگاد الاقصی، اسطوره شکست‌ناپذیری ارتش اسرائیل را درهم شکستند.

حوثی‌ها (انصارالاسلام) بعد دیگری به جنگ اضافه کرده است. خلقی که به مدت ۹ سال طولانی از وحشی‌گری مستمر سعودی و امریکائی زجر کشیده، با بستن مسیرهای بحری علیه اسرائیلی‌ها می‌جنگند. یمنی‌ها تنها خلقی هستند که غیر از افریقای جنوبی، امر مهم آزادی فلسطینی‌ها را نه به عنوان امری مذهبی، بلکه به عنوان یک هدف انسانی به عهده گرفته اند.

بورژوازی بی‌چاره امریکا که آشکارا فراتر از منافع وال‌استریت و مجتمع نظامی-صنعتی فکر می‌کند، بلافاصله با بمباران کشوری که قبلاً بمباران شده، واکنش نشان داد، اما بمباران هم بی‌هوده بود، زیرا حالا به چین متوسل شده و تقاضای کمک می‌کند تا مانع یمنی شود که مسیر بحری را مسدود کرده است. اما این امر یکی دیگر از غیرممکن‌های تاریخ است، و آلن جان پرسیوال نیلور می‌گوید که: «ما غیرممکن‌ها را از تاریخ می‌گیریم» (۷). چینی‌ها که با تهدید وجودی تایوان مواجه‌اند، احتمالاً پاسخ تصدیق آمیزی نخواهند داد.

میلیشای عراقی و سوری هم فعال شده اند. آن‌ها به ترتیب به پای‌گاه‌های امریکائی در کشورهایشان حمله کرده اند. حمله اخیر در مرز سوریه و اردن منجر به هلاکت ۳ سرباز امریکائی شد. همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد، واکنش امریکا وحشیانه بود، اما آیا این واکنش آن‌ها موفقیت‌آمیز بوده؟ سوابق تاریخی و داده‌ها آن را تأیید نمی‌کند. سناریوی فعلی و شکست در اوکراین، امریکائی‌ها را مجبور می‌کند که جنگ خاورمیانه را توسعه ندهند. اما نتانیاهو، بدون در نظر گرفتن عواقب فاجعه بارش، خواب حمله به ایران را می‌بیند.

جان میرشایمر و استفن والت، پروفیسور سابق آموزش‌گاه کندی هاروارد، مقاله‌ای منتشر کرده اند که در آن قدرت لابی اسرائیلی در شکل‌دهی سیاست خارجی امریکا را توضیح می‌دهند.

این مقاله بعدها در سال ۲۰۰۷ به صورت کتابی تحت عنوان: «لابی اسرائیل و سیاست خارجی امریکا» منتشر شد. آن‌ها رهبری اسرائیل را مسؤوّل حمله سال ۲۰۰۳ به عراق دانسته اند، زیرا نخست وزیر اسرائیل اصرار داشت که صدام حسین را از قدرت برکنار کرده و بلافاصله سراغ ایران بروند و کار ایران را همانند عراق یک‌سره کنند.

حمله به عراق بدون تأیید جورج دبلیو بوش (بوش پسر)، دیک چین، و دونالد رامسلفد امکان‌پذیر نبود، اما اسرائیل در خام کردن نهائی امریکا و شکست مفتضحانه آن‌ها نقش محوری داشت.

آیا جنگ در غزه متوقف می‌شود و یا به کل خاورمیانه گسترش می‌یابد؟ در حال حاضر هیچ‌کسی نمی‌تواند به این سؤال پاسخ قاطعی دهد، اما اسرائیل برای حفظ آبرویش، با اعلام پیروزی به دنبال راهی است که از این باتلاق خارج شود که بعید به نظر می‌رسد.

اسرائیل نمی‌تواند حماس و سایر گروه‌های مقاومت را نابود کند، بنابراین آماده است تا کل جمعیت غزه را که علی‌رغم روبه‌رو شدن با مرگ و گرسنگی، حاضر به ترک سرزمین‌شان نیستند، قتل‌عام کند.

بسیاری از کارها به مردم جهان بستگی دارد که هم‌اکنون در خیابان‌های کشورهایشان همراه با نبرد فلسطین (علیه اسرائیل، صهیونیسم و امپریالیسم) هستند. خلاف جزو مدهای معمولی (انقلابات رنگی-م) مورد حمایت امریکا، این بار خلق‌های جهان عرب باید پایه‌های رژیم‌های دست‌نشانده‌شان را به لرزه در بیاورند، و آن‌ها را مجبور سازند که یا صدور نفت به اسرائیل را قطع کنند یا اگر نه با یک انقلاب، بل‌که با یک قیام توده‌ئی مواجه خواهند شد.

موقعش رسیده که از عوام‌فریبانی مثل اردوغان بخواهیم که از خودشان شهادت نشان دهند، نه این‌که فقط «قُمُز در کنند و در لفافه حرف بزنند و گستاخی خودشان را به بی‌خردی تبدیل کنند».

مُهلت مردم غزه به‌سر آمده، زیرا نبرد جهت بقاء به شهر مرزی رفح با مصر رسیده است. مردم غزه با ازجان گذشتگی هایشان برای همهٔ مظلومان جهان که به دنبال رهائی از یوغ امپریالیسم هستند، ستنددهائی بالائی تعیین کرده اند که دستیابی به آن‌ها دشوار است. اگر غزه سقوط کند، این امر کمتر از تراژیدی تخریب اتحاد جماهیر شوروی نخواهد بود. و متعاقباً، تمام شاهان عرب نمی‌توانند مانع توسعه‌طلبی و غصب سرزمین‌هایشان توسط اسرائیل تا فراتر از اردن (ترانسجوردن) (۸) شوند.

#### درباره نویسنده:

\* - دکتر صولت نگی، آکادمیک مستقر در سیدنی- استرالیاست و مؤلف کتاب‌هایی دربارهٔ سوسیالیسم و تاریخ است. آخرین کتابش «جمهوری‌های خدا: ایجاد و تخریب اسرائیل و پاکستان» است که می‌توان از آمازون تهیه نمود.

[saulatnagi@hotmail.com](mailto:saulatnagi@hotmail.com)

#### برگرداننده شده از:

Palestine and Striptease of Western Civilization

Saulat Nagi

19-2-2024

#### منابع:

(۱)

#### از ویکی‌پدیا، دانشنامهٔ آزاد

**اورولی** <sup>(به انگلیسی: )</sup> یک صفت است که به رفتارها و سیاست‌های کنترولی به وسیلهٔ تبلیغات، پایش و شنود، اخبار نادرست، انکار حقیقت، و دستکاری گذشته اشاره دارد، که توسط حکومت‌های سرکوبگر مدرن مورد استفاده قرار می‌گیرد. این وضعیت و شرایط اجتماعی را **جرج اورول** در رمان‌هایش، به ویژه کتاب **۱۹۸۴** توصیف کرده است، و به همین خاطر، به آن اورولی یعنی منسوب به اورول می‌گویند.

صفت «اورولی» برای اشاره به رفتارهای زیر به کار می‌رود:

⑩ **نقض حریم خصوصی**، با **شنود** مستقیم یا غیرمستقیم.

⑩ کنترل زندگی روزمرهٔ مردم توسط دولت، مانند جامعهٔ **برادر بزرگ**

⑩ تشویق رسمی سیاست‌های فروپاشی خانواده

⑩ یک آینده یادآرمان‌گرایانه

<https://fa.wikipedia.org/wiki>

(۲)

Vinayak Damodar Savarkar

[https://en.wikipedia.org/wiki/Vinayak\\_Damodar\\_Savarkar](https://en.wikipedia.org/wiki/Vinayak_Damodar_Savarkar)

(۳)

عمالقه، عمالیق، بنو عملیق یا بنو عملاق (عبری: עמלק) نام قومی در تورات است که از فرزندان عیسو بودند. هیچ اثر تاریخی مشخصی در مورد عمالیق موجود نیست و اطلاعات در مورد این قوم تنها از کتاب مقدس نشأت گرفته است. بقیه در آدرس زیر:

<https://fa.wikipedia.org/wiki/>

(۴)

تنودور ادورنو

تنودور لودویگ ویزنگروند ادورنو جامعه‌شناس، فیلسوف، موسیقی‌شناس و آهنگ‌ساز نئومارکسیست المانی بود. او به همراه کسانی چون ماکس هورکهایمر، والتر بنیامین و هربرت مارکوزه از بزرگان مکتب فرانکفورت بود. ویکی‌پدیا

<https://fa.wikipedia.org/wiki/>

(۵)

Pyrrhic victory

پیروزی پیرهی

پیروزی پیرهی یا پیروز شدن به سبک پیرهوس، پیروزی است که چنان تلفات ویرانگری بر فرد یا گروه پیروز وارد می‌کند که با شکست فرق چندانی ندارد. چنین پیروزی هرگونه حس واقعی موفقیت را نفی می‌کند یا به پیشرفت بلندمدت آسیب می‌زند. ویکی‌پدیا

<https://fa.wikipedia.org/wiki/>

(۶)

(Shakespearean tragedy)

تراژیدی شکسپیری

تراژیدی شکسپیری عنوانی است که به بیشتر تراژیدی‌های نوشته‌شده توسط ویلیام شکسپیر، نمایشنامه‌نویس انگلیسی، داده شده است. ویکی‌پدیا

<https://fa.wikipedia.org/wiki/>

(۷)

AJP Tylor

ای. جی. پی. تیلور با نام کامل آلن جان پرسیوال تیلور یک مؤرخ اهل بریتانیا بود. ویکی‌پدیا

[https://en.wikipedia.org/wiki/A.\\_J.\\_P.\\_Tylor](https://en.wikipedia.org/wiki/A._J._P._Tylor)

(۸)

**(Emirate of Transjordan)**

امارت فرارردن، یک تحت‌الحمایه بریتانیا بود که در سال ۱۹۲۱ تأسیس گردید. خاندان هاشمی بر این کشور همانند کشور همسایه، عراق، حکومت می‌کرد. این کشور به شکل رسمی زیر سلطه فلسطین تحت قیومیت بریتانیا بود ولی عملاً سیستم کاملاً مجزائی داشت. در سال ۱۹۴۶ این کشور کاملاً مستقل گردید و به امارت اردن هاشمی تغییر نام

داد. [ویکی‌پدیا](#)

[https://en.wikipedia.org/wiki/Transjordan\\_\(region\)](https://en.wikipedia.org/wiki/Transjordan_(region))